

مجرم ، عمل مجرمانه و عناصر تشکیل دهنده جرم

در حقوق کیفری ایران

عاطفه تخله

کارشناس ارشد حقوق خصوصی

چکیده

هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل (انجام دادن عمل و یا ترک و عدم انجام عملی) که در قانون برای آن مجازات معین شده باشد جرم محسوب می گردد ؛ درواقع عملی که قانون را نقض می کند جرم می گویند و کسی که مرتکب این عمل می گردد مجرم می نامند و برای به وقوع پیوستن عمل مجرمانه ، عناصر و ارکانی بصورت مشترکاً در نظر گرفته شده است که عبارتند از : عنصر (رکن) قانونی ، عنصر مادی ، عنصر معنوی (روانی) ، و همه ی این عناصر سه گانه در یک عمل نکوهیده و مجرمانه باید بطور کامل و واقعی وجود داشته باشد تا بتوان اعلام کرد که جرم تحقق یافته است ؛ بدین معنا که فقدان هر یک از عناصر فوق الذکر منجر به عدم انتساب جرم مدنظر به شخص متهم می گردد و ممکن است حسب مورد حکم بر براءت وی داده شود یا تحت عناوین دیگری به کیفر و مجازات برسد . عنصر قانونی دلالت دارد بر اینکه تحقق جرم و صدور حکم مجازات شخص مجرم ، در قانون پیش بینی شده باشد بدین معنی که فعل یا ترک فعل موردنظر را قانونگذار جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد ، مضافاً اینکه اگر شخص ، فعل یا ترک فعل مشخص و مجرمانه ی خود

را به منصفه ظهور و به مرحله فعلیت برساند، عنصر مادی خواهد بود و این رفتار مجرمانه اگر با اختیار و انگیزه و سوء نیت موردنظر و مجرمانه باشد عنصر روانی (معنوی) خواهد بود و لازمه تحقق هر جرمی در قانون ایران نیز، جمع این عناصر است. حال در این پژوهش به بررسی مجرم و عناصر و ارکان تشکیل دهنده جرم پرداخته و آثار وجود و یا فقدان این عناصر را بیان خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: جرم، مجازات، عنصر، قانونی، مادی، روانی.

مقدمه

طبق اعلام اراده قانونگذار در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اگر برای رفتاری در قانون، مجازات در نظر گرفته شده باشد بی شک آن عمل و رفتار، جرم خواهد بود. افزون بر این، مجازات که در قوانین جزایی و کیفری ایران بیان گردیده به چند دسته و بخش تقسیم می شوند؛ فلذا افعال و رفتاری که مغایر با احکام و اوامر و نواهی باری تعالی باشد از دیدگاه اسلام جرم بوده و مشمول حدود و تعزیرات اسلامی که بخش و شاخه ای از مجازات مقرر در قوانین کیفری است می باشد به مانند شرب خمر که مجازات آن هشتاد تازیانه (شلاق) می باشد و این مجازات در قرآن کریم صراحتاً بیان گردیده است. برخی دیگر از مجازاتها تحت عنوان قصاص، دیات، اقدامات تأمینی و تربیتی، در ماده ۱ ق.م.ا. پیش بینی گردیده اند. مع الوصف در فرضی که جانی مرتکب جنایتی گردد و حکم بر مجازات یکسان و برابر با آن جنایت انجام شده، صادر گردد قصاص خواهد بود به مانند اعدام قاتل بدلیل ارتکاب قتل (قصاص نفس)، کور کردن شخصی که بینایی شخص دیگری را از بین برده است (قصاص عضو). مضافاً اینکه ادله اثبات قصاص عبارتند از: اقرار (طبق روایتی از حضرت رسول (ص): اقرار العقل علی انفسهم جایز، شهادت شهود، قسامه، علم قاضی)، به تعبیر و بیان دیگر کلمه "قصاص" در اصل به معنای پیروی کردن از اثر دیگری است و قصاص کننده، اثر "جانی" را پیروی می کند و مثل عمل او انجام می

دهد (محمد اسماعیل نوری ، ص ۱۴۵) . با توجه به مطالب درج شده ، تعدی از قوانین و ارتکاب جرم مسلماً واکنش جامعه و مردم را در پی داشته و انتظار می رود بر مجازات شخص خاطی و متعدی !! ولیکن مجازات برای آندسته از افرادیست که عاقل ، بالغ ، و قاصد باشند فلذا در فرضی که شخصی مرتکب جرمی میگردد ولی عاقل و قاصد نباشد (دیوانه ، مجنون) یا اینکه بالغ نباشد (صغیر ، طفل) مشمول بخش دیگری از مجازات تحت عنوان « اقدامات تأمینی و تربیتی » می گردد بدین معنا که با توجه به خطراتی که توسط او ، جامعه و انسانها را تهدید می کند باید تحت حفاظت و مراقبت قرار گیرد . فی الواقع طبق قانون مجازات اسلامی ایران ، فقط اطفال ، نوجوانان بزهکار و افراد مجنون که مرتکب جرم شده اند اقدامات تأمینی و تربیتی دارند . در راستای توجیه قانونی این بحث استناد می گردد به ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ « مسئولیت کیفری در حدود ، قصاص ، و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم ، عاقل ، بالغ و مختار باشد بجز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم « قصاص » آمده است » . فلذا آن دسته از اشخاصی که فاقد ویژگیهای مندرج در این ماده باشند مسئولیت کیفری نخواهند داشت ، مضافاً اینکه با مستفاد از مواد ۱۴۶ ، ۱۴۸ ، ۱۴۹ ، ۸۸ و ۹۵ قانون مجازات اسلامی می توان نتیجه گرفت و بیان داشت که جنون ، صغر (نابالغ بودن) از علل تام رافع مسئولیت کیفری است زیرا رفتار آنان زاییده ی تفکر و تعقل صحیح نیست ؛ به تعبیری دیگر ، مسئولیت کیفری در نظام حقوقی و کنونی ما با فرض مختار بودن انسان معنا می یابد . در این راستا می توان به حدیثی از حضرت رسول (ص) که مشهور و معروف به " حدیث رفع " است اشاره داشت : قال رسول الله (ص) : رفع القلم عن ثلاثة ، عن الصبی حتی تحلیم ، و عن المجنون حتی یفیک و عن النائم حتی یتقیظ .

ترجمه : پیامبر گرامی اسلام فرموده اند که سه گروه از مردم فاقد تکلیف و مسئولیت هستند؛

(۱) کودک تا به سن بلوغ برسد .

(۲) دیوانه تا بهبود یابد .

و ۳) خفته تا بیدار گردد .

مع الوصف بند اول از فرمایش رسول مكرم اسلام ، دربرگیرنده ماده ۹۵ ، ۱۴۶ و ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی ، و بند دوم فرمایش ایشان نیز مشمول ماده ۱۴۹ خواهد بود .

متن مواد فوق الذکر به ترتیب عبارتند از :

ماده ۹۵ : محکومیت های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است .

ماده ۱۴۶ : افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند .

ماده ۱۴۸ : در مورد افراد نابالغ ، بر اساس مقررات این قانون ، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می شود .

ماده ۱۴۹ : هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم ، دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب می شود و مسئولیت کیفری ندارد . با این اوصاف ، لازم به ذکر است که اثر مسئولیت کیفری از این اشخاص ، معافیت از مجازات است ولیکن جامعه حق دارد و می تواند در قبال تهدید بزهکاران غیرمسئول ، به یک رشته تدابیر پیشگیرنده دست بزند ، این تدابیر یا اقدامات تأمینی و تربیتی مانند نگهداری بزهکاران دیوانه در تیمارستان یا نگهداری بزهکاران خردسال در کانون های اصلاح و تربیت فقط با هدف حفظ و صیانت جامعه از خطر بزهکاری اتخاذ می شوند. در اجرای این سیاست ، بازپروری بزهکاران نیز نهفته است (محمدعلی اردبیلی ، جلد دوم حقوق جزای عمومی ، ص ۱۴۹) .

دیه نیز در لغت به معنای خون بهاست و درواقع نوعی از مجازات است که میزان آن در شرع مقدس و قانون مشخص گردیده است و در صورت مطالبه و درخواست مجنی علیه یا اولیای دم ، حکم بر پرداخت آن داده می شود . افزون بر این ، با بررسی مواد قانون مجازات اسلامی می توان نتیجه گرفت و بیان داشت که هیچ تعریفی از جرم در این قانون ارائه نشده است و فقط ماده ۲ بدین شکل بیان گردیده است که : « هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است ، جرم محسوب می شود » . مع الوصف می توان

بیان کرد که اگر رفتار خاصی در قانون به عنوان جرم پیش بینی و تصریح شده باشد، ضمانت اجرای آن جرم و عمل مجرمانه، بی شک مجازات مقرر خواهد بود ولیکن زمانی مجازات می گردد که جزائاً مسئول شناخته شود؛ به دیگر سخن، زمانی می توان فعل یا ترک فعل را جرم دانست که عناصر سه گانه تشکیل دهنده جرم (عنصر قانونی، مادی، روانی) در آن جمع شده باشد. لازم به ذکر است که جرم تلقی کردن رفتاری، و یا اعمال مجازات برای آن رفتار باید مستند به مواد قانون باشد چرا که در اصل ۱۶۹ قانون اساسی (راجع به جرم) و در اصل ۳۶ قانون اساسی (راجع به مجازات) بدین نحو مقرر گشته است که هیچ فعل یا ترک فعل به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی گردد (اصل ۱۶۹) و حکم بر مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و بموجب قانون باشد (اصل ۳۶). فلذا اگر قانونگذار در حدود مقرر در قانون اساسی، فعل یا ترک فعلی را به عنوان جرم تشریح و مجازات آنها را مشخص کرده باشد، ارتکاب آن عمل مجرمانه منجر به اعمال ضمانت اجرای جرم که اصطلاحاً «مجازات» و یا کیفر عمل ارتكابی است می گردد؛ فی الواقع علی الاطلاق مجازاتهای (شامل حدود، قصاص، دیات، تعزیرات) و اقدامات تأمینی و تربیتی بعنوان ضمانت اجرای اعمال مجرمانه می باشد. همانطور که بیان گردید؛ جرم عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد و مجازات، واکنش جامعه و سیستم حقوقی به انجام عملی مغایر با قانون است. درواقع جرائم به شیوه ی ارتکاب آن، به فعل یا ترک فعل تقسیم می شوند یعنی گاه رفتار مجرمانه ارتکاب فعلی است که قانونگذار آن را نهی کرده و یا ترک فعلی که به انجام دادن آن امر نموده است (همان، ص ۳۸). مسئولیت نیز در لغت به معنای موظف بودن به انجام دادن امری است (محمد معین، فرهنگ فارسی، مسئولیت) و مسئول، کسی است که تعهدی در قبال دیگری بعهدہ دارد که اگر از ادای آن سر باز زند از او بازخواست می شود. بنابراین مسئولیت همواره با التزام همراه است و در قلمرو حقوق کیفری، محتوای این التزام، تقبل آثار و عواقب رفتار مجرمانه است؛ یعنی تحمل مجازاتی که سزای رفتار سرزنش آمیز بزهکار به شمار می آید. مضافاً برای اینکه به ارتکاب عملی، جرم گفته شود یا به عبارتی وصف کیفری داشته باشد، باید سه عنصر به شرح زیر با هم جمع شوند:

الف (عنصر قانونی

یعنی وصف مجرمانه به تعیین قانون باشد ؛ عبارت دیگر یعنی زمانی عملی جرم است که قبلاً توسط قانونگذار در قوانین جزایی ارتکاب آن عمل ، منع شده و برای ارتکاب آن مجازات تعیین شده باشد در غیر اینصورت اصل بر این است که انجام تمامی اعمال بدون اشکال و مباح است. وانگهی در حقوق کیفری عمومی ، عنصر قانونی جرم به این معناست که تنها فعل یا ترک فعلی جرم محسوب می شود که در قانون برای آن مجازاتی در نظر گرفته شده باشد، یا به عبارتی قانون آن را جرم محسوب نموده و برای آن مجازاتی معین کرده باشد. این اصل « اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها » نامیده می شود ؛ بنابراین هیچ جرمی وجود ندارد، مگر آنکه قانون آن را بیان کرده باشد (محمد علی اردبیلی ، ص ۲۵) .

با این وصف ، اگر در مورد حکم رفتار نکوهیده و ناپسندی ، قانون سکوت کرده باشد ولو اینکه آن رفتار ناپسند ، مخالف نظم اجتماعی باشد باید به استناد اصل برائت ، حکم بر بی گناهی و برائت متهم داده شود زیرا در حقوق کیفری ، شرط جرم بودن رفتار (فعل _ ترک فعل) در این است که آن فعل یا ترک فعل را قانونگذار از پیش به وصف مجرمانه متصف کرده باشد ؛ (آن عمل را بعنوان جرم پیش بینی کرده باشد) ؛ فلذا با این وصف باید بیان داشت که هیچ جرمی بدون قانون وجود ندارد ، و هیچ مجازاتی بدون قانون به اجرا در نمی آید ، مضافاً اینکه علاوه بر جرم و مجازات ، احکام دادگاه ها نیز باید مستند به قانون و مواد قانونی باشد .

ب (عنصر مادی

این عنصر بدین معناست که قصد سوء ارتکاب عمل خاصی ، دست کم به مرحله فعلیت برسد؛ یعنی جرم قتل زمانی فعلیت می یابد که منجر به سلب حیات مقتول شود و یا سرقت زمانی وجود خارجی پیدا کند که عمل ربایش صورت پذیرد. فلذا شخصی که تصور و نقشه وقوع جرمی را در ذهن می پروراند تا زمانی که به مرحله وقوع و به منصف ظهور نرساند نمی توان مجرم دانست و عمل وی را جرم انگاشت ؛ زیرا شرط تحقق وقوع جرم ، وقوع و

پیدایش عنصر مادی است، ضمناً عنصر مادی چنانکه بیان گردید شرط ضروری تحقق جرم است بصورت فعل یا ترک فعل نمودار می گردد. اگر نسبت انسان را به عنصر مادی جرم بسنجیم، بزهکار مسلماً کسی است که جرم را مادّاً مرتکب شده و یا به اجرای آن (شروع به جرم) مبادرت ورزیده است که در اصطلاح حقوقی او را فاعل یا مباشر جرم می نامند (همان، ص ۷۴). وانگهی بزهکار یا مجرم در نظام کیفری ما کسی است که رفتاری مغایر با اوامر و نواهی قانونگذار مرتکب شود و چون برای تحقق جرم، افزون بر عنصر مادی محتاج به وجود عنصر دیگری یعنی عنصر روانی است، جرم از نظر قانونی زمانی رخ می دهد که افعال مادی تشکیل دهنده ی آن (عنصر مادی) از موجودی مدرک و مختار (عنصر روانی) صادر شده باشد (همان، ص ۵۳).

ج) عنصر روانی

یعنی جرم باید با قصد و نیت مجرمانه باشد و شخص با علم و آگاهی، قصد نقض قانون و انجام عمل ممنوع و نکوهیده را داشته باشد، فلذا اگر کسی عملی را که توسط قانونگذار ارتکاب آن منع شده است (عنصر قانونی) مرتکب شود (عنصر مادی)، ولی قصد و سوء نیتی در انجام آن نداشته و از روی اشتباه یا جهل مرتکب شده باشد، نمی توان مجرم دانست. به تعبیری دیگر، وجود یک عمل مادی که قانون آن را جرم دانسته برای احراز مجرمیت بزهکار و مجازات وی کافی نیست. بزهکار باید از نظر روانی یا بر ارتکاب جرم انجام یافته قصد مجرمانه و عمد داشته باشد (جرائم عمدی مثل قتل عمد) یا در اجرای عمل به نحوی از انحا و بی آنکه قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر بزند خطایی انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسئولیت حزایی (در صورت وجود این مسئولیت) شناخت (جرائم غیر عمدی مثل عبور راننده از چراغ قرمز (رضا نوربها، ص ۱۵۶). برخی از اساتید حقوق نیز در رابطه با عنصر روانی بیان داشته اند که « برای تحقق جرم، عنصر روانی لازم است. به این عنصر روانی در جرائم عمدی، « قصد مجرمانه » اطلاق می شود که به نظر برخی حقوقدانان، مترادف با « سوء نیت » است. بین تصویر جرم در ذهن و قصد ارتکاب آن، باید تفاوت قایل شد؛ از آن جایی که انسان قادر نیست بر ادراکات و تصویرهایی که در آئینه فکر و اندیشه

او نقش می بندد تسلط داشته باشد، تصور و قصد جرم بذاته قابل سرزنش و ملامت نیست» (عبدالحسین علی آبادی، ص ۱۲) حقوقدانان در تعریف قصد مجرمانه یا سوء نیت، نظرات متفاوتی بیان کرده اند؛ برخی سوء نیت را شناخت نامشروع بودن عمل ارتكابی توسط فاعل جرم دانسته اند (عبدالحسین علی آبادی، ص ۱۲). برخی دیگر، با تأکید بر این که جهل به قانون رافع مسئولیت نیست، ضمن انتقاد از این تعریف، سوء نیت یا قصد مجرمانه را به عنوان خواستن و میل مرتکب در انجام یک عمل مجرمانه و تحقق نتیجه آن تعریف کرده اند و سرانجام، برخی قصد مجرمانه را کشش و تمایل به انجام عملی که قانون آن را نهی کرده دانسته اند (رضا نوربها، ص ۲۷۷). بطور کلی در حقوق جزا، قصد و سوء نیت که نسبت به شخص یا گروهی وجود داشته باشد تا وقتی که به مرحله فعلیت و انجام و به مرحله ظهور نرسد قابلیت مجازات ندارد، درواقع قصد و سوء نیتی که در ذهن انسان وجود دارد و در راستای عملی کردن آن سوء نیت گامی برداشته نشود مسلماً عنصر مادی نیز منتفی است! افزون بر این، عنصر روانی یا معنوی نیز رکن سوم در به وقوع پیوستن جرم می باشد بدین معنا که شخص با علم و آگاهی و اختیار به سوء نیت خود، جامه ی عمل می پوشاند. در راستای درک بهتر موضوع، مثالی را مطرح کرده و ارکان و عناصر تشکیل دهنده جرم را نیز در آن بررسی می نماییم. در فرضی که شخص، چوبه و طناب دار را آماده می نماید تا بدینوسیله شخص خاصی را به قتل برساند، به وقوع پیوستن قتل توسط این شخص بی شک جرم خواهد بود و عنصر مادی این عمل عبارتست از آماده کردن چوبه و طناب دار و گذاشتن پایه چوبی در زیر پای قربانی، عنصر روانی نیز انگیزه و سوء نیتی است که شخص جانی نسبت به شخص قربانی دارد و با علم و آگاهی و اختیار تصمیم بر قتل قربانی گرفته است و بدین تصمیم جامه عمل می پوشاند و از طریق چوبه ی دار، قربانی را به قتل می رساند. و عنصر قانونی آن نیز در ماده ۲۹۰ ق.م.ا. و در مبحث "جنایت بر نفس" بیان گریده است که: هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد معین را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود واقع گردد، جنایت رخ داده، عمدی خواهد بود؛ فلذا مجازات جنایت بر نفس که همان "قصاص نفس" است را باید متحمل گردد. عمدی بودن عمل جانی در مثال فوق الذکر به معنای ارادی بودن عمل وی است، و پایه ی رکن تمامی جرائم

، اراده می باشد . در این فرض و مثال ، سلب حیات که از شخص قربانی صورت گرفته است ، جرم بوده و از آنجایی که عناصر سه گانه بطور کامل به وقوع پیوسته است ، مرتکب این عمل یعنی قاتل باید به مجازات عمل خود که همان « قصاص نفس » است باید برسد . ولیکن بحث در فرضی است که شخص چوبه ی دار را آماده نماید (تحقق عنصر مادی) با انگیزه قتل (که عنصر قانونی قتل در قانون ، مقرر و پابرجاست) ولی عنصر روانی که همان به قتل رساندن شخص موردنظر است رخ ندهد ، مسلماً وقوع جرم نیز منتفی خواهد بود گرچه اقدامات اولیه وقوع جرم را فراهم نموده است ؛ در واقع فقدان عنصر معنوی منجر به عدم وقوع جرم می گردد . در برخی موارد نیز فرض دیگری را می توان تصور و مطرح کرد به مانند اینکه شخص در راستای به قتل رساندن شخص دیگری ، اسلحه تهیه و با خود حمل می نماید (تحقق عنصر مادی) ، و عنصر قانونی جنایت بر نفس نیز همانطور که قبلاً نیز اشاره گردید در ماده ۲۹۰ ق.م.ا. تصریح گردیده است ؛ ولیکن شخص از به قتل رساندن طرف مقابل منصرف می گردد و وی را به قتل نمی رساند (عدم تحقق عنصر روانی یا معنوی) ؛ در این فرض گرچه شخص تحت عنوان قتل تحت تعقیب قرار نمی گیرد (زیرا عنصر روانی به وقوع نپیوست) ولیکن عمل وی و مقدمات فراهم شده غیرقانونی بوده و گرچه قتل منتفی گردیده است ولی بدلیل حمل سلاح غیرمجاز می تواند تحت پیگرد قانونی قرار گیرد . با این اوصاف می توان بیان داشت که لازمه ی به وقوع پیوستن جرمی ، تحقق و جمع عناصر سه گانه می باشد و اگر یکی از عناصر فوق الذکر منتفی گردد مسلماً وقوع آن جرم نیز منتفی می گردد ولی به مانند فرض اخیرالذکر می تواند تحت عناوین دیگری یا تحت عنوان شروع به جرم مورد تعقیب قضایی قرار گیرد . در بررسی مثال چوبه دار که اخیراً ذکر گردید می توان بیان داشت که اگر آماده کردن چوبه دار (تحقق عنصر مادی) توسط مأمور اجرای احکام و برای شخصی که مجازات اعدام وی توسط مراجع قضایی صالح صادر گردیده است رخ دهد ، و بدینوسیله مأمور اجرای احکام منجر به اذهاق نفس وی گردد ، این عمل وی مجرمانه نبوده و مسئولیت کیفری (و حتی مدنی) نخواهد داشت زیرا وی در راستای انجام مأموریت خود این کار را انجام داده است و گرچه عنصر مادی و معنوی به وقوع پیوسته است ولیکن عدم وجود عنصر قانونی در این فرض ، منجر به عدم وقوع جرم

توسط مأمور اجرای احکام می گردد زیرا در هیچ یک از قوانین کیفری و جزایی ایران، این عمل جرم تلقی نگردیده است. با توجه به آنچه که در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی بیان گردیده است، علاوه بر فعل، ترک فعل نیز در برخی موارد منجر به وقوع جرم می گردد و مثال بارزی که در این راستا وجود دارد می توان به مادر یا دایه ای اشاره کرد که وظیفه شیر دادن به کودک را بر عهده گرفته ولی از انجام این وظیفه امتناع ورزیده و منجر به وقوع جنایتی می گردند که در این فرض و مثال جنایت حاصل، مستند به عمل مادر یا دایه فوق الذکر خواهد بود (مستفاد از ماده ۲۹۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲).

نتیجه گیری

اگر فعل یا ترک فعلی بخواهد وصف و عنوان مجرمانه داشته باشد مسلماً عناصر و ارکان سه گانه باید در آن جمع گردد و فقدان هر یک از این عناصر منجر به عدم وقوع جرم خواهد گردید؛ پس زمانی که شخصی افکار منفی و مجرمانه در ذهن خود می پروراند، به صرف پروراندن آن افکار منفی در ذهن، نمی توان افکار وی را جرم و وی را مجرم دانست و یقیناً زمانی مرتکب جرم شده و مجرم خطاب می گردد و متحمل مجازاتی که سزای رفتار سرزنش آمیز و نکوهیده اش می گردد که آن افکار را به مرحله فعلیت برساند و در قانون نیز آن عمل بعنوان جرم پیش بینی شده باشد (مجرم کسی است که اتهام وی در دادگاه ثابت شده باشد و برای عمل وی مجازاتی در قانون پیش بینی شده باشد)، مضافاً اینکه عنصر روانی نیز ملحق گردد.

منابع و مآخذ

قانون اساسی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

اردبیلی ، محمدعلی ، حقوق جزای عمومی (جلد اول) ، تهران ، انتشارات میزان ، چاپ پنجم ، ۱۳۸۲ ، ص ۲۵ .

اردبیلی ، محمدعلی ، حقوق جزای عمومی (جلد دوم) ، ویراست دوم ، تهران ، بنیاد حقوقی میزان ، زمستان ۹۲ ، صص ۳۸ ، ۷۴ و ۱۴۹ .

علی آبادی ، عبدالحسین ، حقوق جنایی ، جلد اول ، چاپخانه بانک ملی ایران ، ۱۳۴۷ ، ص ۱۲ .

معین ، محمدعلی ، فرهنگ فارسی .

نوربها ، رضا ، زمینه حقوق جزای عمومی ، تهران ، کتابخانه گنج دانش ، چاپ یازدهم ، ۱۳۸۳ ، ص ۱۵۶ .

نوربها ، رضا ، زمینه حقوق جزای عمومی ، چاپ کانون وکلای مرکز ، ۱۳۶۹ ، صص ۱۶۱ و ۲۷۷ .



مرکز آموزش ملی-کاربردی
سازمان همیاری شهرداری های
ایران



بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند
با همکاری و حمایت معنوی
مرکز آموزش علمی- کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان

همایش ملی

علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی



پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science

T
PBIN.com
Sponsored And Indexed

همایش های ایران
Qsymposia

CONF
PAPER

مجله علمی پژوهشی
فقه و حقوق اسلامی
فصلنامه علمی پژوهشی
فقه و حقوق اسلامی

مجله علمی پژوهشی
فقه و حقوق اسلامی
فصلنامه علمی پژوهشی
فقه و حقوق اسلامی

مسئول برگزاری
دکتر بهنام اسدی

محور های همایش:
پذیرش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی، علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی، علوم اجتماعی، فرهنگ، هنر (تمام گرایش ها)، ارتباطات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۸
اصفهان
سالن اجلاس دانشگاه



ارکان کلیدی همایش
دبیر اجرایی همایش:
دکتر امین امیریان فارسانی
رئیس هیات داوران،
دکتر سعید سامانی مجد
رئیس شورای سیاست گذاری،
دکتر سعید خردمندی

جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار
کافیست فایل word مقاله خود را به همراه
شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید
phdsara@yahoo.com
ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره
09100636002
همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود





دبیرخانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ مثنوی جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم
واحد مشاوره ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ واحد صدور مدرک ۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴

www.olomensani.IR